

پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوبه‌ها شیخ خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

احکام؛ نماز؛ نماز جماعت

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: افکاری

تاریخ: ۱۴۰۱/۱۱/۱۳

لطفاً بفرمایید حکم ورود به مساجد موجود در ایران برای اقامه‌ی نماز یا شرکت در مراسم عزاداری یا مجلس ترحیم آشنایان و از این قبیل چیست؟ بنده گاه مجبور هستم نماز را در محل کارم اقامه کنم. در این صورت، حکم حضور در نمازخانه‌ی محل کار یا اتاقی مجزا جهت اقامه‌ی نماز فردی چیست؟

پاسخ

تاریخ: ۱۴۰۱/۱۱/۲۴

حضور در مساجدی که به مراکزی برای نشر اندیشه‌های انحرافی و تبلیغ برای ظالمان تبدیل شده‌اند، جایز نیست؛ چراکه چنین مساجدی، در اسلام «مسجد ضرار» محسوب می‌شوند و خداوند درباره‌ی مسجد ضرار فرموده است: ﴿لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا﴾؛ «هرگز در آن نایست». همچنین، مکان‌هایی که با عنوان «نمازخانه» برای خواندن نماز ساخته یا معین شده‌اند نیز در حکم مسجدند و اگر مانند مسجد ضرار باشند، نباید در آن‌ها حاضر شد. بنابراین، به نظر می‌رسد که در شرایط فعلی، حضور در بیشتر مساجد ایران، حرام است؛ زیرا در آن‌ها امامانی هستند که از حکومت جور خط می‌گیرند و پایگاه‌هایی برای بسیج وجود دارد که کانون پشتیبانی از طاغوت و اقدام سازمان‌یافته بر ضد خداوند و خلیفه‌ی اوست و سخنرانی‌های کذب و عزاداری‌های بدعت‌آمیز انجام می‌شود و پس از هر نماز برای حاکم جائز دعا می‌شود و دشمنان او که شامل خداوند و اولیائش هستند نفرین می‌شوند و این مصیبت اسفباری است که پیامبر و اهل بیتش از وقوع آن در آخر الزمان خبر داده بودند؛ چنانکه در روایتی آمده است: «مَسَاجِدُهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ عَامِرَةٌ مِنَ الصَّلَاةِ، حَرَبَةٌ مِنَ الْهُدَى، قَدْ بَدَّلَ فِيهَا مِنَ الْهُدَى، فَقَرَأُوهَا وَعَمَّارُهَا أَخَائِبُ خَلْقِ اللَّهِ وَخَلِيقَتِهِ، مِنْ عِنْدِهِمْ جَزَتْ الصَّلَاةُ وَإِلَيْهِمْ تَعَوَّدُ، فَحُضُورُ مَسَاجِدِهِمْ وَالْمَشْيُ إِلَيْهَا كُفْرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ،

۱۰۸ / التوبة

إِلَّا مَنْ مَشَى إِلَيْهَا وَهُوَ عَارِفٌ بِضَلَالِهِمْ... قَدْ بُدِّلَتْ سُنَّةُ اللَّهِ، وَتُعَدِّيَتْ حُدُودُهُ، وَلَا يَدْعُونَ إِلَى الْهُدَى، وَلَا يَقْسِمُونَ الْفَيْءَ، وَلَا يُوقِفُونَ بِذِمَّةٍ، يَدْعُونَ الْقَتِيلَ مِنْهُمْ عَلَى ذَلِكَ شَهِيدًا، قَدْ أَتَوْا اللَّهَ بِالْإِفْتِرَاءِ وَالْجُحُودِ، وَاسْتَعْتَوْا بِالْجَهْلِ عَنِ الْعِلْمِ، وَمَنْ قَبْلُ مَا مَثَلُوا بِالصَّالِحِينَ كُلَّ مَثَلَةٍ، وَسَمَّوْا صِدْقَهُمْ عَلَى اللَّهِ فِرْيَةً، وَجَعَلُوا فِي الْحَسَنَةِ الْعُقُوبَةَ السَّيِّئَةَ»^۱؛ «مساجدشان در آن زمان، از ضلالت آباد و از هدایت ویران خواهد بود؛ چراکه هدایت در آن‌ها وارونه شده است. پس امامان آن‌ها و اداره‌کنندگان‌شان بدترین خلق خدا خواهند بود؛ گمراهی از نزد آنان آغاز می‌شود و به نزد آنان باز می‌گردد. پس حضور در مساجد آنان و رفتن به آن‌ها کفر به خداوند عظیم محسوب می‌شود، مگر برای کسی که از گمراهی آنان آگاه است (و قصد تقیه یا اصلاح دارد)... آیین خداوند را دگرگون ساخته‌اند و از حدود او تجاوز کرده‌اند و به سوی هدایت فرا نمی‌خوانند و درآمدهای عمومی را تقسیم نمی‌کنند و به عهد خود پایبند نیستند. کشتگان خود بر این حال را شهید می‌نامند و در رابطه با خداوند به افتراء و انکار می‌پردازند و با جهالت از علم بی‌نیاز شده‌اند، افزون بر آزار و آسیبی که از پیش به نیکان رسانده‌اند و سخنان راست آنان درباره‌ی خداوند را دروغ نامیده‌اند و خوبی آنان را با بدی پاسخ داده‌اند».

با این حال، حضور در این مساجد برای اهل معرفت و هدایت، در سه حالت جایز است:

۱. ضرورت و آن هنگامی است که وقت نمازشان تنگ است و جای مناسب دیگری برای ادای آن نمی‌یابند، یا برای رسیدن به مقصد، چاره‌ای جز عبور از این مساجد ندارند؛ با توجه به سخن خداوند که فرموده است: ﴿وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ﴾^۲؛ «برای شما چیزی که بر شما حرام ساخته را تبیین کرده است مگر چیزی که به آن ناگزیر شوید».

۲. تقیه و آن هنگامی است که حاضر نشدن در این مساجد برای نماز جماعت، ظالمان را نسبت به آنان حساس و ظنین کند، تا حدی که جان یا مال یا آبرویشان را به خطر اندازد. در این صورت، برای آنان جایز است که در این مساجد حاضر شوند و با جماعت ولی به نیت فردی یا نافله نماز بگزارند و پنهانی برای خود قرائت کنند؛ با توجه به سخن خداوند که فرموده است: ﴿إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً﴾^۳؛ «مگر اینکه از آنان تقیه کنید»؛ چنانکه از امام ابو جعفر باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «لَا تَصَلُّوا خَلْفَ نَاصِبٍ وَلَا كَرَامَةٍ، إِلَّا أَنْ تَخَافُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تُشَاهَرُوا وَيُشَارَ إِلَيْكُمْ، فَصَلُّوا فِي بُيُوتِكُمْ، ثُمَّ صَلُّوا مَعَهُمْ، وَاجْعَلُوا صَلَاتَكُمْ مَعَهُمْ تَطَوُّعًا»^۴؛ «پشت سر دشمنان نماز نگزارید که ارزشی ندارد، مگر اینکه بترسید شناخته و انگشت‌نما شوید، پس در این صورت در خانه‌ی خود نماز بگزارید و سپس با آنان نماز بگزارید و نمازتان با آنان را مستحبی قرار دهید».

۱. الکافی للکلینی، ج ۸، ص ۳۸۸

۲. الأنعام / ۱۱۹

۳. آل عمران / ۲۸

۴. دعائم الإسلام لابن حیتون، ج ۱، ص ۱۵۱

و از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «إِذَا صَلَّيْتَ خَلْفَ إِمَامٍ لَا تَقْتَدِي بِهِ فَافْرَأْ خَلْفَهُ، سَمِعْتَ قِرَاءَتَهُ أَوْ لَمْ تَسْمَعْ»؛ «هرگاه پشت سر امامی نماز می‌گزاری که به او اقتدا نمی‌کنی، پشت سرش قرائت کن، چه قرائتش را بشنوی و چه نشنوی» و از زرارة بن أعین روایت شده است که گفت: «كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَاتَ يَوْمٍ إِذْ جَاءَهُ رَجُلٌ فَدَخَلَ عَلَيْهِ، فَقَالَ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، إِنِّي رَجُلٌ جَارٌ مَسْجِدٍ لِقَوْمِي، فَإِذَا أَنَا لَمْ أَصَلْ مَعَهُمْ وَقَعُوا فِيَّ، وَقَالُوا: هُوَ هَكَذَا وَهَكَذَا! فَقَالَ: أَمَا لَيْنَ قُلْتَ ذَلِكَ، لَقَدْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: >مَنْ سَمِعَ النَّدَاءَ فَلَمْ يُجِبْهُ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ فَلَا صَلَاةَ لَهُ<، فَخَرَجَ الرَّجُلُ، فَقَالَ لَهُ: لَا تَدْعِ الصَّلَاةَ مَعَهُمْ وَخَلْفَ كُلِّ إِمَامٍ، فَلَمَّا خَرَجَ قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، كَبُرَ عَلَيَّ قَوْلُكَ لِهَذَا الرَّجُلِ، حِينَ اسْتَفْتَاكَ، فَإِنْ لَمْ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ؟! قَالَ: فَصَحَّحَكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، ثُمَّ قَالَ: مَا أَرَاكَ بَعْدَ إِلَّا هَاهُنَا يَا زُرَّارَةُ! فَأَيَّةَ عِلَّةٍ تُرِيدُ أَعْظَمَ مِنْ أَنَّهُ لَا يَأْتُمُّ بِهِ؟!»^۱ «روزی نزد امام ابو جعفر (باقر) علیه السلام نشسته بودم که مردی وارد شد و به او گفت: فدایت شوم، من در همسایگی مسجد قومم زندگی می‌کنم، پس اگر همراه آنان نماز نگزارم، درباره‌ام بدگویی می‌کنند و می‌گویند که او چنین و چنان است! پس فرمود: حال که این را گفتمی بدان که امیر المؤمنین علیه السلام فرموده است: >هر کس دعوت به نماز را بشنود و بدون علت اجابت نکند، نمازی برای او نیست<، پس مرد بیرون رفت و آن حضرت به او فرمود که همراه آنان و پشت سر هر امامی نماز بگزار، پس چون مرد بیرون رفت، به آن حضرت گفتم: فدایت شوم، چیزی که به این مرد فرمودی برای من سنگین آمد هنگامی که از تو استفتاء کرد. آیا اگر چه مؤمن نباشند؟! پس آن حضرت خندید و فرمود: می‌بینم که هنوز اینجا هستی زرارة! (برای اجابت نکردن دعوت آنان به نماز) چه علتی بزرگ‌تر از این می‌خواهی که اقتدا به آنان جایز نیست؟!» یعنی منظورم نماز گزاردن همراه آنان از سر تقیّه بود و از اسحاق بن عمار روایت شده است که گفت: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي أَدْخُلُ الْمَسْجِدَ، فَأَجِدُ الْإِمَامَ قَدْ رَكَعَ، وَقَدْ رَكَعَ الْقَوْمُ، فَلَا يُمَكِّنُونِي أَنْ أَوْدُنَ وَأَقِيمَ وَأَكْبِرَ، فَقَالَ لِي: فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَادْخُلْ مَعَهُمْ فِي الرُّكْعَةِ وَاعْتَدِّ بِهَا، فَإِنَّهَا مِنْ أَفْضَلِ رَكَعَاتِكَ، قَالَ إِسْحَاقُ: فَدَخَلْتُ الْمَسْجِدَ، فَوَجَدْتُ النَّاسَ قَدْ رَكَعُوا، فَرَكَعْتُ مَعَ أَوَّلِ صَفٍّ أَدْرَكْتُهُ، وَاعْتَدَدْتُ بِهَا، ثُمَّ انْصَرَفْتُ، فَإِذَا خَمْسَةٌ أَوْ سِتَّةٌ مِنْ جِيرَانِي قَدْ قَامُوا إِلَيَّ مِنَ الْمَحْزُومِينَ وَالْأُمُومِيِّينَ، فَأَقْعُدُونِي، ثُمَّ قَالُوا: يَا أَبَا هَاشِمٍ، جَزَاكَ اللَّهُ عَنْ نَفْسِكَ خَيْرًا، فَقَدْ وَاللَّهِ رَأَيْنَا خِلَافَ مَا ظَنَّنَا بِكَ وَمَا قِيلَ فِيكَ، فَقُلْتُ: وَأَيُّ شَيْءٍ ذَلِكَ؟ قَالُوا: أَتُبْعُنَاكَ حِينَ قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ وَنَحْنُ نَرَى أَنَّكَ لَا تَقْتَدِي بِالصَّلَاةِ مَعَنَا، فَقَدْ وَجَدْنَاكَ قَدْ اعْتَدَدْتَ بِالصَّلَاةِ مَعَنَا، وَصَلَّيْتَ بِصَلَاتِنَا، فَرَضِيَ اللَّهُ عَنْكَ، وَجَزَاكَ خَيْرًا، قَالَ: فَقُلْتُ لَهُمْ: سُبْحَانَ اللَّهِ، أَلِمَثَلِي يُقَالُ هَذَا؟! قَالَ: فَعَلِمْتُ أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَأْمُرَنِي إِلَّا وَهُوَ يَخَافُ عَلَيَّ هَذَا وَشِبْهَهُ»^۲ «به ابو عبد الله (صادق) علیه السلام گفتم:

۱. الکافی للکلینی، ج ۳، ص ۳۷۳؛ تهذیب الأحکام للطوسی، ج ۳، ص ۳۵

۲. الکافی للکلینی، ج ۳، ص ۳۷۲؛ تهذیب الأحکام للطوسی، ج ۳، ص ۲۴

۳. تهذیب الأحکام للطوسی، ج ۳، ص ۳۸



من وارد مسجد می‌شوم و می‌بینم که امام به رکوع رفته است و مردم نیز به رکوع رفته‌اند، پس نمی‌توانم برای خودم اذان، اقامه و تکبیر بگویم (تا به نیت فردی نماز بگزارم)، پس آن حضرت به من فرمود: هرگاه این طور شد، (بدون اذان، اقامه و تکبیر) به آنان ملحق شو و آن رکعت را حساب کن؛ چراکه بهترین رکعت نماز است. اسحاق می‌گوید: پس وارد مسجد شدم و دیدم که مردم به رکوع رفته‌اند، پس در اولین صفی که رسیدم به رکوع رفتم و آن رکعت را حساب کردم. پس چون برخاستم، پنج یا شش نفر از همسایگانم از مخزومی‌ها و اموی‌ها به سویم آمدند و من را نشانند و گفتند: ای ابا هاشم! خداوند خیرت دهد! به خدا قسم از تو چیزی دیدیم که برخلاف گمانمان درباره‌ی تو و چیزهایی بود که درباره‌ات گفته می‌شود! گفتم: چه چیزهایی؟! گفتند: هنگامی که به نماز آمدی حواس ما به تو بود و گمان می‌کردیم که تو به نماز ما اقتدا نمی‌کنی، ولی دیدیم که نماز با ما را حساب کردی و با ما نماز خواندی. پس خداوند از تو راضی باشد و به تو پاداش نیک دهد! پس به آنان گفتم: سبحان الله! آیا درباره‌ی من چنین چیزهایی گفته می‌شود؟! پس دریافتیم که ابو عبد الله (صادق) علیه السلام به خاطر ترس از چنین چیزی من را به این کار امر فرمود».

۳. دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر و آن هنگامی است که حاضر شدن در این مساجد، با هدف آگاه کردن اهل آن‌ها از انحرافاتشان و جذب آنان به اهل حق باشد؛ با توجه به سخن خداوند که فرموده است: ﴿مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ﴾؛ «بر احسان‌کنندگان باکی نیست» و با توجه به سیره‌ی ابراهیم علیه السلام که در محلّ عبادت ستاره‌پرستان، ماه‌پرستان و خورشیدپرستان حاضر شد تا آنان را به پرستش خداوند هدایت کند؛ چنانکه خداوند از آن خبر داده و فرموده است: ﴿فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَىٰ كَوْكَبًا قَالَ هَٰذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ ﴿١﴾ فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَٰذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَيْنُ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ ﴿٢﴾ فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسُ بَازِعَةً قَالَ هَٰذَا رَبِّي هَٰذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ﴾؛ «پس چون شب فرا رسید، ستاره‌ای را دید. گفت: این پروردگار من است! پس چون غروب کرد گفت که غروب‌کنندگان را دوست نمی‌دارم! پس چون ماه را دید که سر زد، گفت: این پروردگار من است! پس چون غروب کرد گفت که اگر پروردگار من را هدایت نکند، از گروه گمراهان خواهم بود! پس چون خورشید را دید که سر زد، گفت: این پروردگار من است! این بزرگ‌تر است! پس چون غروب کرد گفت: ای مردم! من از چیزی که شریک می‌گیرید بیزارم» و در روایتی از امام جعفر صادق علیه السلام آمده است که فرمود: «خَالِقُوا النَّاسَ بِأَخْلَاقِهِمْ، صَلُّوا فِي مَسَاجِدِهِمْ، وَغُودُوا مَرْضَاهُمْ، وَاشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ، وَإِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَكُونُوا الْأَيْمَةَ وَالْمُؤَدِّينَ فَافْعَلُوا، فَإِنَّكُمْ إِذَا فَعَلْتُمْ ذَلِكَ قَالُوا: هَٰؤُلَاءِ الْجَعْفَرِيُّ، رَحِمَ اللَّهُ جَعْفَرًا، مَا كَانَ أَحْسَنَ مَا يُؤَدِّبُ أَصْحَابَهُ، وَإِذَا تَرَكْتُمْ ذَلِكَ قَالُوا:

۱. التوبة / ۹۱
۲. الأنعام / ۷۶-۷۸

هَؤُلَاءِ الْجَعْفَرِيَّةُ، فَعَلَ اللَّهُ بِجَعْفَرٍ، مَا كَانَ أَسْوَأَ مَا يُؤَدَّبُ أَصْحَابُهُ^۱؛ «با مردم (برای جذبشان) با اخلاق خودشان معاشرت کنید. در مساجدشان نماز بگزارید و از بیمارانشان عیادت کنید و به تشییع جنازه‌ی‌شان بروید و اگر می‌توانید، امام جماعت و مؤذن آنان بشوید؛ چراکه هرگاه این کارها را بکنید خواهند گفت: این‌ها شاگردان جعفر هستند! خداوند جعفر را بیمارزد که یارانش را خوب تربیت کرده است! ولی اگر این کارها را نکنید خواهند گفت: این‌ها شاگردان جعفر هستند! خداوند با جعفر چه کند که یارانش را بد تربیت کرده است!»



بایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ جعفر اسحاقی
www.alkhorasani.com



۱. دعائم الإسلام لابن حیّون، ج ۱، ص ۶۶؛ من لا یحضره الفقیه لابن بابویه، ج ۱، ص ۳۸۳